

مساله دست های آلوده و اعتماد

کرونا ی فیلسوف: از کرونا چه پرسش هایی بر آمد؟ باز اندیشی های فلسفی و تربیتی
یحیی قاندى/گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی/۱۶ اسفند ۹۸
بخش سوم و پایانی

بر آمدن کرونا ، گسترش یافتن اش، و لانه گزینی ادامه دارش در ایران، و سپس تر در سایر کشور ها، پرسش های دیگری را نیز بر انگیخت که مرز های فلسفه اخلاق و فلسفه تعلیم و تربیت را نیز اشغال می کرد. انگار پرسش های فلسفی با خود کرونا مسابقه گذاشته است. بر بنیاد نشانه های نا استواری از اخبار در مورد تعداد واقعی مبتلایان و قربانیان و نیز برخی اخبار تایید نشده دال بر اینکه که ویروس نا گرامی کرونا چندین روز قبل از ۲۲ بهمن و و سپس وضعیت حاد ترش قبل از انتخابات ۲ اسفند وجود داشته ولی ملاحظات سیاسی باعث شده بود که از اعلامش خود داری شود، این پرسش اخلاقی آرام آرام بر آمد که آیا دروغ و پنهان کاری، و یا عدم صداقت بطور کلی و یا بویژه در مواقع بحران امری غیر اخلاقی است؟ اگر اعلام آمار واقعی یا اخبار واقعی منجر به برخی نگرانی ها ، هجوم مردم به مغازه ها و یا "سو استفاده دشمن" شود دروغ یا پنهان کاری امری مجاز است؟ حتا رایج شدن بیماری کرونا منجر به پدید آمدن این پرسش اخلاقی شد آیا ریا کاری برای اداره مملکت امری پسندیده است؟ مجموعه این ملاحظات حتی منجر به پدید آمدن این پرسش فلسفی شد آیا بطور کلی حکومت داری اخلاقی ممکن است و یا آیا سیاست اساسا می تواند امری راست کردار باشد؟

کرونا والدین، شاگردان، دانشجویان معلمان و استادان و بطور کلی، کل دستگاه تربیت از عالی تا غیر عالی را نیز در گیر کرد. پرسش های ریز و درشت زیادی پرسیده شدند که بسیار سرگردان بودند و نشان از عدم آمادگی فکری و عملی کل دستگاه تربیت می داد. بخش های گوناگون تربیت و حتا صدا و سیما آمادگی این را نداشتند که به درستی آموزش های مجازی را برگزار کنند مجموعه این سر گردانی ها منجر به بر آمدن این پرسش اساسی شد که آیا ما واقعا تربیت می کنیم؟ فرد تربیت شده باید چه کسی باشد؟ چه بخش از ناکارایی و ناکار آمدی کل تربیت شهر وندی در کشور که شامل همه اداره کنندگان و همه اداره شوندگان می شود به سبب ناکارایی تربیت است ؟ و چه بخش از ناکارایی کل فرایند تربیت به سبب سیستم سیاسی و مدیریتی در کشور است؟ این پرسش ها بیشتر مرا به یاد اصطلاح "دست های آلوده" می اندازد. بر پندار من این اصطلاح که اخیرا مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته است می تواند فلسفه سیاست

، اخلاق و تربیت را با یکدیگر مرتبط سازد. پرسش اساسی بر آمده از عبارت دست هاب آلوده این است: آیا رهبران سیاسی باید عمیق ترین قیود اخلاقی (چون راستی و شفافیت) را به منظور رسیدن به خیر های بزرگ یا جلوگیری از رخداد فاجعه برای جامعه نقض کنند؟ در روشنگری و توسعه این پرسش و بر بنیاد آنچه اخیرا در ایران محل مناقشه شده است می توان پرسید که آیا سیاستمداران(رهبران، نمایندگان و روسای جمهور) به تنهایی آلوده می شوند یا اینکه شهروندان هم در این آلودگی سهم دارند؟

چالش ها بر سر اعتماد نیز به سبب دوگانه راست و دروغ و یا شفافیت و پنهان کاری در گرفته بود. اعتماد در عین اینکه لازم است خطرناک نیز است. و به همین سبب این پرسش پیش می آید " اعتماد چه وقت مجاز(موجه و مدلل) است؟ در واقع مردم می پرسند که به چه کسی یا چه چیزی می توان اعتماد کرد. سردرگمی شگفت آوری در این باره وجود دارد . امروزه مردم حتا به نتایج پژوهش های علمی نیز تردید دارند و نمی دانند که کدام را باید برگزینند و چراغ راه مواجه با کرونا کنند. بر پندار من نخست فیلسوفان و سپس فیلسوفان تربیت باید به این پرسش بپردازند که اعتماد چیست؟ چه موقع و چگونه باید اعتماد کرد؟ به نظر می رسد در محتوای تربیت و برنامه های درسی برنامه ای برای آموزش چنین چیز هایی وجود ندارد و آن مقدار هم که جسته گریخته وجود دارد بسیار خام دستانه و سنتی است و چون نمونه تصور می رود راست گویی و صداقت در همه موارد و زمان و مکانهایی شروط لازم و کافی اعتمادند سر انجام چگونه و کجا می توان می توان این چرخه ضعف را باز ایستاند. دولت مردان فرایند تربیت را و معلمان و استادان فرایند مملکت داری را سبب عمده می دانند. و هر گروه و البته گروه دوم بیشتر ضعف سیاست گذاری و مدیریت دولتی را فهرست می کنند و یا نمونه هایی از تلاشهای موفق دولت مردان جهان را ارایه می کنند. گروه دوم سخت درگیر کروناست باید دید سر فرصت چه پاسخ هایی می دهند.

یحیی_قائدی # کرونا

کرونای_فی